

مالیات برای چند متقال فروش؟!!

پس از مقاومت طلافروشان و تعطیلی واحدها بابت الزام به ثبت اطلاعات خرید و فروش در سامانه تجارت، رئیس اتحادیه طلافروشان مشهد گفته بود: «اصلاً قرار نیست شفاف شود!» وی در ادامه افزوده بود: «طلا فروشان با مالیات مشکلی ندارند، مشکل ماتفتیش در اموال مردم است.» حال که این عزیزان مشکلی با مالیات ندارند، خبرنگار ما به طور نامحسوس به یک طلافروشی سرزده است تا اعتراضات این صنف خدوم و زحمتکش را بررسی کند.

یک طلافروشی بزرگ، حاشیه خیابان اصلی

پس از زنگ زدن و رد شدن از گیت نگهبانی، به عنوان خریدار وارد مغازه شدم. «یه دستبند دوسه تومنی می خوام.» فروشنده پوزخندی زد و گفت: «میلیون؟!» فهمیدم سوتی داده ام. از بس ذهن فقیری دارم. گفتم: «نه خیر، میلیارد.» قیافه اش عوض شد و با لیخند گفت: «در خدمتم.» در حالی که داشت سینی های دستبند را می آورد، من حساب می کردم باید چند قرن به حقوقم دست نزدم تا بتوانم یکی از این ها را بخرم. بی تفاوت گفتم: «راستی! چرا طلافروشا نمی خوان اطلاعاتشون شفاف بشه؟»

فروشنده گفت: «شما خودتون دوست دارید کسی بفهمه همچنین دستبندی خریدین؟» گفتم: «والا دستبند رو می ندازن توی دست و همه می بینن دیگه. بعدم حسابای ما که دست همه مسئولان هست، برای یارانه و اعتبارسنجی وام و اینترنت رایگان و به هر بهانه ای کل دار و ندار ما رو رصد می کنن. تازه کارت خوان هم که همه پته ما رو می ریزه روی دایره! هرکی هم آمار ما رو نداره، می تونه بره توی اینترنت و از هرکجا بفهمه که چی خریدیم و چی خوردیم و کجا رفتیم و چی پوشیدیم. نکنه برای مالیاتش می گین؟»

با بی تفاوتی گفت: «مالیات؟ ما که اصلاً کاسبی نمی کنیم که بخوایم مالیات بدیم. تازه مالیات همون چند متقال فروشمون رو هم هر سال دودستی تقدیم می کنیم. برای مردم می گیم.»

گفتم: «مردم اگه پول داشتن که این قدر کار نمی کردن و دنبال وام و خرید اقساطی نمی رفتن.»

مشکوک نگاه کرد و گفت: «اگه دزد بفهمن



کارتون: محمد علی رحیمی

ثروت از زیر پرداخت مالیات دربرین؟» اخم کرد و گفت: «شما کارمندی و می خوای همچین چیزی بخری؟ وضعتون خوب شده ها!» گفتم: «مثلاً گفتم، من نوعی!» گفتم: «اصلاً دستبند نداریم. امروز هم فروش نداریم کلا. بفرمایین.» در حالی که داشتم از مغازه بیرون می آمدم، گفتم: «حق دارید که مالیات ندین. کی دلش می آد از شما با این دل نازکتون مالیات بگیره؟ چشم ماها کور، دوبله و سوبله و چوبله می دیم.»

کی چقدر طلا داره و خریده و فروخته، بهش حمله می کنن!» گفتم: «نه که الان دزدا به کسی حمله نمی کنن!» به چشم هایم نگاه کرد و گفت: «اصلاً چرا باید این قدر مالیات بدیم؟» خندیدم و گفتم: «هااا، همین رو بگین! قانون مالیات که عوض نشده، قراره از اجرت ساخت مالیات بگیرین. اینکه چیزی نمی شه. خب الان من کارمند چرا باید قبل از اینکه فیش حقوقم چاپ بشه، مالیاتم رو کسر کنن؟ بعد شما ها با این

صفحه ۴
۱۶ دی ۱۴۰۲
شماره ۹۳

در ستایش کنار کشیدن

فرهنگ شهروندی
ساحل شاکری

کنار کشیدن همیشه خوب است، به خصوص اگر به قصد کنار رفتن برای عبور آمبولانس باشد که بیمار دارد و باید هرچه سریع تر به بیمار یا بیمارستان برسد و مسیرش باز باشد. یا حتی کنار رفتن و در سمت راست ایستادن روی پله های برقی برای عبور افرادی که عجله دارند و می خواهند از سمت چپ بروند. اما خب بعضی ها این جواری فکر نمی کنند. یا میشلان

نمی کشد، یا با لچ کردن احساس بهتری دارند، یا تریپ ریاست، وزارت، مدیرکلی چیزی در درونشان احساس می کنند و باید زودتر خودشان را به محل مأموریت خطیرشان برسانند. عده کمی هم هستند که اصلاً فکر نمی کنند و همین جواری سمت راست هستند دیگر! حالا ممکن است شما با خودتان بگویید با این پله برقی های شلوغ مترو همین که روی

دیواره های کناری آن کسی نمی نشینند، جای بسی شکر است؛ پس که در راست و چپ و وسط و هر جای آن یک نفر ایستاده است و جایی برای سوزن انداختن نیست که کسی بخواهد از سمت چپ تندتند برود. همه با هم به مقصد می رسیم. مهم این است که از مسیر لذت ببریم. کم هم نبوده است وقت هایی که با صدای آمبولانس از عابرو سوار و هر موجود خرنده